

طریقت «قادریه نقشبندیه» و تعامل آن با جریان سلفیه اندونزی

علی پاسالوونگی *
امیر جوان آراسته **
محمد جواد اسعدی ***

چکیده

تصوف در مجمع‌الجزایر اندونزی از دیرباز وجود داشته است. حضور تصوف یا طریقت‌ها در این کشور با استقبال گرم مردم مواجه شد. در اندونزی ۴۵ طریقت صوفی وجود دارد که طریقت‌های معتبر محسوب می‌شوند. یکی از این طریقت‌ها طریقت «قادریه نقشبندیه» است که به دست یکی از علمای صوفی اندونزیایی تأسیس شده است. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع اصلی طریقت قادریه نقشبندیه این طریقت را در اندونزی بررسی می‌کند و تعامل آن با جریان سلفیه را نشان می‌دهد. طریقت قادریه نقشبندیه طریقتی مستقل و جدید است که فقط در جنوب شرق آسیا توسعه یافته است. این طریقت در مواجهه با سایر گروه‌های اسلامی، از جمله جریان سلفیه، و به طور خاص با جریان محمدیه که در برخی آموزه‌های معنوی بسیار به قادریه نقشبندیه نزدیک‌اند، تعاملی سازنده از طریق گفت‌وگوهای علمی مستمر و نیز در برخی طرح‌های دولتی داشته است. از سوی دیگر، در مقابل تبلیغات منفی سلفیان قادریه نقشبندیه کوشیده است آموزه‌های خود را با تبیینی صحیح و روشن مطرح کند.

کلیدواژه‌ها: تصوف، طریقت، قادریه نقشبندیه، اندونزی، جریان سلفیه.

* دانشجوی دکتری عرفان اسلامی و اندیشه امام خمینی علیه السلام، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. (نویسنده مسئول)
aliartikel16@gmail.com

** استادیار دانشکده عرفان، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.

am.javan@gmail.com

*** مدیر گروه علمی آفریقا و عربی، پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی صلی الله علیه و آله، قم، ایران.

Mjasadi92@gmail.com

مقدمه

بنا بر آمار و گزارش «جمعیه اهل الطریقه المعتمده النهضیه» در کشور اندونزی ۴۵ طریقت صوفی وجود دارند که در قالب طریقت‌های معتبر به رسمیت شناخته می‌شوند (EL Bilad, 2021: 10). یکی از این طریقت‌ها طریقت «قادریه نقشبندیه» است که یکی از علمای صوفی اندونزیایی تأسیس کرد. این طریقت همانند بسیاری از طریقت‌ها حاصل ادغام یا تلفیقی از آموزه‌های اصلی دو طریقت بزرگ است که در واقع طریقتی جدید و مستقل از طریقت قادریه و نقشبندیه امروز به شمار می‌آید (Bruinessen, 1995: 196).

طریقت قادریه نقشبندیه فقط در جنوب شرق آسیا توسعه یافته و در اندونزی به همت شاگردان و خلفای مؤسس این طریقت، شیخ احمد خطیب سامباس، گسترش پیدا کرده است. شیخ عبدالکریم البانتی، شیخ احمد طلحه، شیخ احمد حسب‌الله المادوری و شیخ محمد خلیل بانگکالان از جمله خلفای اصلی و مشهور وی در این کشور بودند (Aqib, 2000: 55).

در حکم بخشی از جامعه بزرگ مسلمانان اندونزی، طریقت قادریه نقشبندیه به خوبی می‌داند که جنبش‌های اسلامی فراوان دیگری هم در این کشور هستند که در فعالیت‌های مذهبی اجتماعی و حتی در عرصه سیاسی مشارکت فعال دارند. از جمله آن‌ها جریان سلفیه است که خواهان بازگشت به قرآن و سنت و سلف است و به شدت با عقاید دیگر گروه‌های اسلامی مخالفت می‌کند. این جریان به راحتی دیدگاه‌ها و عقاید دیگر مسلمانان را بدعت می‌داند و آن‌ها را به سبب این عقاید محکوم می‌کند و حتی آن‌ها را کافر می‌داند. یکی از جریان‌های سنتی اسلامی که در معرض انتقاد شدید آن‌ها قرار گرفته، تصوف و آموزه‌های طریقتی آن است (رمضان البوطی، ۱۳۸۳: ۲۱۶ و ۲۱۸).

بر اساس بررسی‌های صورت گرفته پژوهش مستقلی درباره ابعاد مختلف طریقت قادریه نقشبندیه اندونزی و مواجهه آن با گروه‌های سلفیه یافت نشد. در منابع فارسی هیچ اثری مشخصاً به این موضوع نپرداخته است. البته تحقیقات فراوانی وجود دارد که جداگانه به طریقت قادریه یا طریقت نقشبندیه می‌پردازد و مستقیم یا غیرمستقیم به

موضوع پژوهش حاضر مرتبط است، از جمله «سلسله قادریه و شیخ عبدالقادر جیلانی» نوشته نیره السادات همزه عراقی و دیگران که احوال و برخی آثار شیخ عبدالقادر جیلانی، عارف قرن پنجم، را بررسی می‌کند و در صدد است چهره‌ای روشن‌تر از بنیان‌گذار طریقت قادریه و نیز آثار و احوالش مطرح کند، اما بحثی درباره طریقت نقشبندیه و ارتباط خاصش با قادریه به میان نمی‌آورد. همچنین، کتاب تصوف و تشیع در اندونزی معاصر: همگرایی یا واگرایی نوشته محمدجواد اسعدی که صرفاً اشاره‌ای کوتاه و مختصر به برخی از طریقت‌های موجود در اندونزی کرده و یکی از آن‌ها طریقت قادریه نقشبندیه است.

شیخ احمد خطیب سامباس: مؤسس طریقت قادریه نقشبندیه

شیخ احمد خطیب بن عبدالغفار سامباس در سال ۱۸۰۲ در منطقه‌ای به نام سامباس (Sambas)، واقع در کالیمانتان غربی، متولد شد. در نوزده سالگی تحصیلات دینی‌اش را در مکه شروع کرد و در همان جا تا زمان وفاتش در سال ۱۸۷۲ ماند (Bruinessen, 1992: 91). در مکه رشته‌های مختلف علوم اسلامی را آموخت، اما اهتمام ویژه‌ای به تحصیل تصوف داشت. طولی نکشید که در تصوف و مباحث معرفتی به جایگاه رفیعی نائل شد. ایشان تصوف را نزد استادانی مانند شیخ داود بن عبدالله بن ادريس الفتانی، شیخ محمد ارشد البنجری، شیخ عبدالصمد الپالمبانی و شیخ شمس‌الدین آموخت. از میان استادانش شیخ شمس‌الدین بیشترین تأثیر را بر سبک تصوف شیخ احمد خطیب گذاشت (Mulyati, 2006: 177).

فقط دو رساله مختصر درباره طریقت از شیخ احمد خطیب بر جای مانده است که در واقع تقریر دو تن از شاگردان شیخ احمد خطیب از تعالیم وی است و به طور دقیق در قالب رساله‌های کوتاه به زبان مالایی (اندونزی) نوشته شده است. یکی از آن‌ها رساله‌ای با عنوان فتح العارفین^۱ است که محمد اسماعیل بن عبدالرحمن بالی نگاشت و دیگری طرقت یانگ دیبانگساکن کفد قادریا دان نقشبندیا (طریقتی که با قادریه و نقشبندیه ترکیب شده است)^۲ به قلم محمد معروف بن الشیخ عبدالله خطیب پالمبنگ (Bruinessen, 1992: 90).

شیخ احمد خطیب سامباس، عالم و عارف بزرگ، اصلاحاتی در طریقتی که رهبری می‌کرد انجام داد و در این طریقت کاملاً پذیرفته شد. به بیان دیگر، برای کسانی که به درجهٔ مرشد کامل مکمل رسیده‌اند آزادی عمل در چنین اموری کاملاً وجود دارد (Aqib, 2000: 53).

شیخ احمد خطیب نیز همانند استادش جداگانه مرشد کامل دو طریقت اصلی نقشبندیه و قادریه بود (33: 1963; Al Attas, 37-54: 2012; Atika). اما وی در روند آموزش و تعلیم آموزه‌های این طریقت‌ها با دیگران تفاوت دارد. پیشینیانش طریقت قادریه و نقشبندیه را مستقل و جدا از هم آموزش می‌دادند، ولی شیخ احمد خطیب هر دو را در قالب طریقتی واحد به شاگردان خود، مخصوصاً به شاگردان اندونزیایی، آموزش می‌داد. از این رو بعضی از محققان معتقدند طریقتی که شیخ احمد خطیب سامباس آموزش داده، در واقع طریقتی جدید است و خودش مبتکر اولیهٔ آن بوده است (Bruinessen, 1995: 215).

به گفتهٔ برخی از محققان، ادغام آموزه‌های محوری دو طریقت بر اساس ملاحظات منطقی و راهبردی کاملاً امکان‌پذیر است که دو آموزهٔ اصلی به صورت مکمل یکدیگر در نظر گرفته شوند، مثلاً در بحث ذکر و روش آن طریقت قادریه در آموزه‌های خود بر ذکر جهر «نفی و اثبات» تأکید دارد، در حالی که در آموزه‌های نقشبندیه بر ذکر خفی «اسم ذات» یا ذکر «لطائف» تأکید دارد (Emawati, 2015: 45). در گفتن ذکر «نفی و اثبات»، پیروان طریقت قادریه نقشبندیه باید سرشان را حرکت دهند و تصور کنند که ذکر از جریان بدن کشیده می‌شود. لفظ «لا» از ناف به مغز کشیده می‌شود، و لفظ «اله» از مغز به شانهٔ راست، سپس «الا الله» از شانهٔ راست به سمت قلب (لطیفهٔ قلب) رانده می‌شود. علاوه بر «لطیفهٔ قلب» که در قلب قرار دارد، ذکر بر پنج لطیفهٔ دیگر نیز باید متمرکز باشد به نام‌های لطیفهٔ روح (در سمت راست سینه)، لطیفهٔ سری (دو انگشت بالای نوک سینهٔ چپ)، لطیفهٔ خفی (دو انگشت بالای نوک سینهٔ سمت راست)، لطیفهٔ اخفی (در وسط سینه) و لطیفهٔ نفس (در مغز). تلفیق و تکمیل این گونه است که جریان حرکت از ناف به مغز تا انتهای قلب، در طریقت قادریه مطرح است، اما بحث لطائف، که اشاره شد، از طریقت نقشبندیه گرفته شده است (Sambas, 1295: 3; Bruinessen,)

آموزه‌های عملی

در هر طریقتی یک سری از آموزه‌های عملی وجود دارد که به طور خاص مرشد آموزش می‌دهد. این را در طریقت قادریه و نقشبندیه هم می‌بینیم، هرچند در مجموع این دو طریقت اشتراکات بسیار دارند، به‌ویژه از نظر توجه و تأکید بر عمل و پای‌بندی به شریعت و داشتن مناسک خاصی مانند مناقب‌خوانی و دعا‌های توسل به صورت جمعی، اما در برخی از آموزه‌ها اختلافات چشم‌گیری دارند؛ مثلاً در طریقت قادریه ذکر «نفی و اثبات» به صورت جهر خوانده می‌شود و در طریقت نقشبندیه ذکر «اسم ذات» (ذکر لطایف) به صورت خفی. اما در طریقت قادریه نقشبندیه برخی از آموزه‌های اصلی آن‌ها مانند اذکار و آموزه‌های مربوط به مراقبه با هم ترکیب شده و ذکر را می‌توان با صدای بلند (جهر) مانند طریقت قادریه، یا بی‌صدا (خفی) مانند طریقت نقشبندیه خواند. همچنین، در خصوص مراقبه، در طریقت قادریه و نقشبندیه هر کدام فقط سیزده نوع مراقبه وجود دارد، در حالی که در طریقت قادریه نقشبندیه این سیزده نوع مراقبه، به بیست نوع مراقبه افزایش یافته است. (Sambas, 1295: 6-9) به هر حال، در این طریقت آموزه‌های عملی وجود دارد که پیروان طریقت قادریه نقشبندیه باید انجام دهند. از جمله آموزه‌ها و آداب اصلی که باید به آن توجه کرد و در زندگی روزمره پیروان طریقت قادریه نقشبندیه اجرا شود عبارت‌اند از: کمال سلوک، اذکار، مراقبه، خاتمان (Khataman) و مناقیبان (Manaqiban).

کمال سلوک

یکی از آموزه‌هایی که در طریقت قادریه نقشبندیه بسیار بر آن تأکید شده، اعتقاد به این است که کمال سلوک در صورتی حاصل می‌شود که شامل سه بُعد اسلامی باشد، یعنی اسلام، ایمان و احسان، یا به تعبیر دیگر شریعت، طریقت و حقیقت (Hanif Muslih, 2011: 18-19). «شریعت» یعنی هر آنچه پیامبران گفته و ابلاغ کرده‌اند، در حالی که «طریقت» چیزی است که پیامبران در عمل انجام داده‌اند و «حقیقت» آن چیزی است که پیامبران دیده و مشاهده کرده‌اند (نسفی، ۱۳۸۶: ۷۴). پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «الشريعة

اقوالی والطریقه افعالی والحقیقه احوالی» (آملی، ۱۳۶۸: ۳۴۶).

در طریقت قادریه نقشبندیه بر پای‌بندی به ظاهر شریعت تأکید شده است. کیایی حاجی صاحب‌الوفا تاج‌العارفین (اباه انوم) می‌گوید شریعت با حقیقت استوار است و حقیقت با شریعت محکم گره خورده است (Jamaluddin, 2019: 195). شیخ جنید بغدادی هم این را به صوفیان عصر خود گوشزد کرد. از نظر او، صوفی و عارف واقعی کسانی هستند که می‌توانند بین شریعت و طریقت و حقیقت در وجود خود جمع کنند و به وسیله آن به معرفت‌الله برسند که در بالاترین مراتب طریقت بر سالک تجلی می‌کند. برای چنین عارفی، شریعت عین حقیقت و حقیقت عین شریعت است (بغدادی، ۱۴۲۶: ۲۹۷).

اصل کمال سلوک از جمله آموزه‌هایی است که مؤسس طریقت قادریه بر آن تأکید کرده است، زیرا او صوفی و در عین حال از علمای فقه بود و در مذهب حنبلی فقیه محسوب می‌شد (جیلانی، ۱۹۹۵: ۳۰). خود جنید بغدادی در کتاب السرفی انفس الصوفیه یادآور می‌شود که تعلیم فقه قبل از ورود به تصوف ضروری است، زیرا طریقت فقها اساس طریقت تصوف است که بر آن بنا شده است (همان).

اذکار

طریقت قادریه نقشبندیه طریقتی ذکرری به شمار می‌آید. منظور از «ذکر» در این طریقت، فعالیت زبان (لفظی) و قلب (باطنی) برای به یاد آوردن اسماء خدا و بر زبان جاری کردن آن است؛ هم به صورت کلمات (جملات) و هم به صورت تلفظ اسم ذات. این ذکر را باید مرشدی متصل‌الفیض (که از نظر سند و فیض متصل است) بیعت یا تلقین کرده باشد (Aqib, 2000: 83).

اشاره شد که در طریقت قادریه نقشبندیه دو نوع ذکر وجود دارد؛ ذکر «نفی و اثبات» و ذکر «اسم ذات». ذکر «نفی و اثبات» یعنی ذکر «لا اله الا الله» که جهری است؛ در حالی که ذکر «اسم ذات» یعنی گفتن «الله، الله، الله» به صورت سری یا خفی (در قلب) انجام می‌شود (Ibid.: 83). در این طریقت، هر دو نوع ذکر هم‌زمان یا در یک مجلس، یعنی بعد از هر نماز واجب انجام می‌شود و قبل از ذکر باید به آداب (اخلاق) ذکرگفتن هم توجه کرد (Ibid.: 175).

مراقبه

در طریقت قادریهٔ نقشبندیه، مراقبه از آموزه‌های مهم و زیربنایی است. مقصود از مراقبه، توجه مستمر به خدای متعال در هر عملی به همراه مراقبت از قلب و خواطر و نفی امور باطل از آن‌هاست (محاسبی، ۱۹۸۷: ۱۴۹). برخی از اهل حکمت می‌گویند مراقبت برای خدا از شریف‌ترین مقامات و بافضیلت‌ترین آن‌هاست (همو، ۱۴۲۸: ۴۲). مراقبه فضیلتی است که سالک طریقت به آن نیاز دارد و افضل طاعات این است که در همهٔ اوقات پیوسته مراقبه حق تعالی است (خرکوشی، ۱۴۲۷: ۸۴). حارث محاسبی می‌گوید هر کس باطنش را با مراقبه و اخلاص اصلاح کند خداوند ظاهرش را به مجاهدت و پیروی از سنت آراسته می‌کند (محاسبی، ۱۳۲۰: ۳۴). در طریقت قادریهٔ نقشبندیه بیست نوع مراقبه وجود دارد (Sambas, 1295: 6-9). زمانی شاگرد می‌تواند این مراقبه را انجام دهد که تربیت در ذکر لطایف و ذکر نفی و اثبات را به اتمام رسانده باشد. با ورود در مرحلهٔ مراقبه، شاگرد طریقت قادریهٔ نقشبندیه سه وظیفه پیدا می‌کند که باید پیوسته انجام دهد؛ یعنی ذکر نفی و اثبات، ذکر لطایف و مراقبه. عمل و انجام مراقبه باید بر اساس اذن و بیعت (بیعت مراقبه) از مرشد باشد. این مراقبه نیز همانند اذکار بعد از هر نماز واجب انجام می‌شود (Hanif Muslih, 2011: 81).

خاتامن: اوراد و دعاهای خاص

یکی از آموزه‌ها و آیین‌های مهمی که همواره در طریقت قادریهٔ نقشبندیه انجام می‌شود خاتامن است. واژهٔ «خاتامن» در اصل از کلمهٔ عربی «الخاتِم» به معنای آخر و پایان گرفته شده است (مهنا، ۱۴۱۳: ۳۱۸؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۵۴/۶). «خاتامن» شامل یک سری اوراد است. برنامهٔ خاتامن در اصل شامل قرائت دعای توسل، صلوات، آیات قرآن، دعاهای استغفار و مناجات است که به آن «خاتامن» گفته می‌شود، زیرا اساساً این اعمال در حکم شکرگزاری برای شاگرد طریقت پس از انجام دادن تعهدات یک روز یا یک هفتهٔ کامل است. بنابراین، «خاتامن» عملی فردی است که هر پیرو طریقت قادریهٔ نقشبندیه باید آن را انجام دهد (Jamaluddin, 2019: 57-58).

مناقیبان

یکی دیگر از اعمالی که در فرآیند تربیت معنوی در طریقت قادریه نقشبندیه وجود دارد «مناقیبان» است. کلمه «مناقیبان» در واقع از واژه عربی «منقب» جمع «منقبه»، به معنای کار نیک یا اخلاق و خصوصیات حمیده و آنچه باعث افتخار است گرفته شده است (ابن‌درید، ۱۹۸۸: ۱/۳۷۵؛ یسوعی، ۱۹۰۸: ۸۲۹). «مناقیبان» یعنی خواندن تاریخ زندگی شخصیتی که ستوده شده و محترم است. در مناقیبان یا مناقب‌خوانی طریقت قادریه نقشبندیه آنچه خوانده می‌شود منقبت شیخ عبدالقادر جیلانی است (Bruinessen, 1992: 97). در این مناقب‌خوانی، علاوه بر خواندن منقبت شیخ عبدالقادر جیلانی، قرائت تنبیه، آیات قرآن، دعای توسل و صلوات بنی‌هاشم، بحث‌های علمی و سخنرانی هم برگزار می‌شود (El Bilad, 2021: 66).

مواجهه با دیگر گروه‌های اسلامی

طریقت قادریه نقشبندیه یکی از ده‌ها طریقتی است که در «جمعیة اهل الطریقة المعتمربة النهضیة» عضویت دارند (Ibid.: 10). این طریقت در محیط اهل سنت رشد کرده و همواره می‌کوشد در مسیر این مذهب باقی بماند و بر اساس اعتقادات پذیرفته‌شده در «مذهب اهل سنت و جماعت» به آموزه‌های اسلامی عمل کند.

طریقت قادریه نقشبندیه بخشی جدایی‌ناپذیر از اکثریت مسلمانان اندونزی است که همگی شان پیرو مذهب اهل سنت و جماعت هستند. بنابراین، طریقت قادریه نقشبندیه باید بتواند با سایر گروه‌های اسلامی، از جمله جریان سلفیه، در زمینه‌های مختلف اجتماعی و مذهبی ارتباط و همکاری مناسب برقرار کنند تا تفاهم و درک متقابل ایجاد شود و وحدت و انسجام بیشتر میان مسلمانان اندونزی حفظ گردد.

در ادامه، ابتدا به بحث کلی جریان سلفیه در اندونزی اشاره می‌کنیم و سپس به امکان و نوع تعامل و مواجهه طریقت قادریه نقشبندیه با آن‌ها می‌پردازیم.

جریان سلفیه در اندونزی

گروه‌های سلفیه در اندونزی از دیرباز وجود داشته و در طول این سال‌ها توسعه یافته‌اند. برخی از آن‌ها، مانند سازمان محمدیه، مدت‌ها قبل و پیش از استقلال اندونزی وجود

داشته، اما برخی دیگر، مانند سازمان مجلس مجاهدین اندونزی،^۳ مجمع ارتباطی اهل سنت و جماعت،^۴ و سازمان وحدت اسلامی^۵ اخیراً در اندونزی، به‌ویژه در دوران نظم نوین و در دهه هشتاد توسعه یافته‌اند. گروه‌های سلفیه‌ای که در دهه هشتاد به بعد در اندونزی رشد و توسعه پیدا کرده‌اند، غالباً از گونه‌های سلفی جهادی‌اند، مانند مجلس مجاهدین اندونزی و مجمع ارتباطی اهل سنت و جماعت. برخی هم سلفی تبلیغی‌اند، مانند سازمان وحدت اسلامی.

سازمان محمدیه

سازمان محمدیه جنبشی با گرایش سلفی‌گری (سنی سلفی) است (Iskandar, 2018: 212). کیایی حاجی احمد دحلان در ۱۸ نوامبر ۱۹۱۲ در یوگیاکارتا این سازمان را تأسیس کرد (Pajariato, 2018: 50). یکی از عوامل مهمی که باعث تأسیس محمدیه شد عامل مذهبی بود. محمدیه، مسلمانان اندونزیایی را به بازگشت به قرآن و سنت و کنارگذاشتن همه تعالیم حاوی بدعت‌ها و خرافات دعوت کرد. همچنین، از زمان تأسیس تا کنون همواره در ریشه‌کنی بدعت‌ها و خرافات و مبارزه با آن پیگیر بوده است. این تلاش‌ها پیوسته انجام می‌شد تا اینکه محمدیه در قالب جنبشی ضد بدعت و خرافه‌گرایی معروف شد (Hazmi, 2020: 13-14).

گرچه به نظر می‌رسد نگرش محمدیه همانند سایر جریان‌های سلفیه، جریانی خواهان بازگشت به قرآن و سنت و سلف است، اما در بعضی از مواضع خود با سایر گروه‌های سلفیه متفاوت است؛ مثلاً اغلب گروه‌های سلفیه به جلوه‌های اسلامی مبتنی بر تصوف و کلام اشعری انتقادات تندی دارند (Boy ZTF, 2019: 144). همچنین، سلفیه که نوعی جهت‌گیری نهضت دینی است، عموماً هر چیزی را که بوی «بدعت» می‌دهد رد می‌کند، چنان‌که محمدیه نیز بدعت‌ها را رد می‌کنند، و اساساً یکی از آموزه‌های اصلی محمدیه ریشه‌کن کردن خرافات و بدعت‌هاست (Hazmi, 2020: 55). اما رد کردن بدعت‌ها در محمدیه با دیگر جریان‌های سلفیه کمی متفاوت است. جریان سلفیه به طور کلی بدعت را به شیوه‌ای سخت و محدود تفسیر می‌کند (السراجی، ۱۴۳۱: ۲۶۳-۲۶۶) در حالی که بدعت‌ستیزی محمدیه را نمی‌توان صرفاً در رابطه با بدعت به معنای محدودش بفهمیم، بلکه باید با نگرش محمدیه راجع به واقعیت اجتماعی، مدرنیته و





تجدید در اندیشه‌های دینی مرتبط بدانیم. بدعتی که در محمدیه به آن اشاره شده امور مربوط به عبادت است؛ یعنی اگر در عبادتی الگویی از رسول خدا ﷺ نباشد آن عبادت ممنوع و حرام است. محمدیه از نظر نوآوری اجتماعی، برخلاف عموم گروه‌های سلفیه، به اصل بدعت اعتقادی ندارند. سلفی‌ها عموماً مایل‌اند در برابر نوآوری‌های اجتماعی دفاعی عمل می‌کنند. در حالی که یکی از کلیدهای ماندگاری فعالیت‌های محمدیه تا به امروز نوآوری‌های اجتماعی است که محمدیه در مواجهه با واقعیت‌های مختلف جامعه در حال تغییر داشته است. همچنین، در تفسیر متون دینی (قرآن و حدیث) مواجهه محمدیه با دیگر جریان‌های سلفیه یکسان نیست. معمولاً سلفی‌ها صرفاً یک جهت‌گیری و رویکرد، یعنی لفظ‌گرایی یا ظاهرگرایی، می‌شناسند (پورامینی، ۱۳۹۵: ۱۵۱)، در حالی که در محمدیه رویکردهای گوناگونی می‌توان یافت؛ از رویکرد لفظ‌گرایی گرفته تا رویکردهای زمینه‌ای (وابسته به قراین) و نیمه‌زمینه‌ای، همگی در محمدیه به کار رفته است (Boy ZTF, 2019: 145).

گروه‌های جدید سلفیه (دهه هشتاد به بعد)

گروه‌های سلفیه، که اخیراً در اندونزی و در دهه هشتاد توسعه یافته، اساساً جریانی است به دنبال تقویت مجدد سلفی‌گری قبلی که سازمان‌های اسلامی مانند سازمان محمدیه، سازمان اتحاد اسلامی^۶ و شورای دعوت اسلامی اندونزی^۷ منتشر کرده‌اند (Bunyan Wahid, 2011: 158). جریان سلفیه که اخیراً در اندونزی شکل گرفته، جریانی است که دولت عربستان سعودی مستقیماً حمایت می‌کند. در اواسط دهه ۱۹۷۰ شیخ عبدالعزیز عبدالله العمار، از شاگردان مفتی دولت عربستان سعودی، شیخ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز، به اندونزی سفر کرد. وی در طول سفرش با محمد نثیر ملاقات کرد که از مسلمانان اندونزیایی است و زمانی حزب مجلس شورای مسلمانان اندونزی^۸ را در دوران نظم قدیم رهبری می‌کرد. در این دیدار توافق شد که عربستان سعودی مؤسسه آموزش عالی در جاکارتا تأسیس کند. سپس مؤسسه علوم اسلامی و عربی^۹ در سال ۱۹۸۰ با ۱۵۰ دانشجو آغاز به کار کرد. این نهاد نقش مهمی در توسعه و انتشار افکار سلفی‌گری و وهابیت در اندونزی ایفا می‌کند (Jahroni, 2022: 1-3).

دیدار شیخ عمار و آقای نثیر، دوران جدیدی برای حضور سلفیه و وهابیت در

اندونزی رقم زد. در سال ۱۹۷۸ اولین گروه از دانشجویان اندونزیایی برای تحصیل در دانشگاه اسلامی مدینه عازم عربستان سعودی شدند. این دانشگاه معمولاً مقصد اصلی دانشجویان اندونزیایی است که عازم عربستان سعودی می‌شوند. در ۱۹۹۵ بر سند همکاری مرحله بعدی توافق شد که این بار شامل بخش خصوصی بنیاد «الحرمین» می‌شد (Ibid).

تعامل عملی با مشارکت فعال در گفت‌وگوهای علمی

توسعه گروه‌های سلفیه همواره مسئله مهمی برای طریقت قادریه نقشبندیه بوده است، به‌ویژه در چندین منطقه در جزیره جاوه که از دیرباز مرکز و پایگاه طریقت قادریه نقشبندیه بود. در مواجهه با جریان سلفیه، به منظور ایجاد روابط و تفاهم با سایر گروه‌های اسلامی میانه‌رو، به‌ویژه گروه‌های اسلامی که اغلب نیز هدف اتهامات جریان سلفیه و وهابیت‌اند، طریقت قادریه نقشبندیه به بهبود روابط و تقویت ارتباطات نیاز دارد. وجود بعضی از نقاط مشترک با سازمان محمدیه می‌تواند به فرصتی برای طریقت قادریه نقشبندیه تبدیل شود و نقطه شروعی در ایجاد تفاهم و همکاری‌های متقابل بین آن‌ها باشد.

مطرح کردن گفت‌وگوی صمیمی و علمی در موضوعات تصوف یا اخلاق عرفانی، به‌ویژه در محافل علمی و دانشگاهی محمدیه، قطعاً در مسیر تفاهم میان پیروان طریقت و مخالفان آن‌ها می‌تواند مؤثر واقع شود. میزگرد علمی با عنوان «معنویت عرفانی و مشکلات مردم» و همچنین نشست بررسی «آرای ابن عربی» که فعالان انجمن دانشجویان محمدیه در دانشگاه محمدیه یوگیا کارتا^{۱۱} با حضور متفکران و متخصصان این رشته برگزار کردند از نمونه‌های مهمی است که باید استمرار پیدا کند (Burhani, 2002: 28).

محمدیه، برخلاف دیگر گروه‌های سلفیه که تصوف یا صوفی‌گری را انحراف و بدعت می‌دانند، هرگز صراحتاً آموزه‌های تصوف را رد نکرده است. البته محمدیه مرشد طریقت و مراحل سیر و سلوک (مقامات عرفانی) را به رسمیت نمی‌شناسد. در محمدیه نیز هیچ‌گونه اعتقادی به «وسيله» یا «رابطه» وجود ندارد که در طریقت رایج است. با این حال، تمایل به اخلاق عرفانی و معنویت در محمدیه بسیار قوی به نظر می‌رسد. دو



تن از شخصیت‌های بزرگ و بنیان‌گذار محمدیه، کیایی حاجی احمد دحلان و کی باگوس هادیکوسوما، اغلب از اصطلاحات تصوف در بیان اخلاق استفاده می‌کنند. به گفته کی باگوس هادیکوسوما، آموزه‌های مراقبه، محبت و معرفت از طریق «احسان»، هسته اصلی تصوف و آرمان‌های زندگی انسان است (Iskandar, 2018: 237). به همین ترتیب، حاجی عبدالملک کریم امرالله، معروف به حمکا، از شخصیت‌های نامدار محمدیه که در ۱۹۷۵ رئیس کل شورای علمای اندونزی^{۱۱} بود (Hamka, 2016: 211)، تصوف را با نقلی از قول جنید بغدادی، یعنی «خارج شدن از اخلاق ناپسند و وارد شدن به اخلاق ستودنی» معنا کرد. حمکا در کتاب تصوف مدرن با هدف تزکیه و تصفیة نفس، تربیت و تلطیف احساسات، زنده شدن قلب در عبادت خدا و ارتقای درجات اخلاقی، سرکوب گونه‌های مختلف حرص و طمع و مبارزه با شهوات بیش از حد لازم، همگی را به احیای تصوف دعوت کرد (Hamka, 1981: 21).

تعامل عملی با مشارکت فعال در طرح‌های دولتی

طریقت قدریة نقشبندیه از طریق نفوذ خود در سازمان نهضة العلماء می‌تواند از فرصت کنونی استفاده کند. در حال حاضر، سازمان‌های بزرگ اسلامی مانند نهضة العلماء و محمدیه، تحت هماهنگی وزارت دین اندونزی، متعهد شده‌اند از هر تلاشی برای حفظ وحدت و زندگی مسالمت‌آمیز بین پیروان مذاهب و ادیان حمایت کنند. همچنین، آن‌ها بر لزوم اعتدال دینی به‌شدت تأکید دارند (-Nasikin, 2022: 27; Taufiq, 2021: 138-40).

عضویت و مشارکت شمار فراوانی از فعالان و مبلغان گروه‌های اسلامی، مانند سازمان نهضة العلماء، سازمان محمدیه و سازمان وحدت اسلامیه در «بنیاد هماهنگی مبلغان اندونزی»^{۱۲} تحت نظارت وزارت دینی اندونزی، در واقع نوعی از شروع تعامل راهبردی بین گروه‌های اسلامی، به‌ویژه گروه‌های سنتی اسلامی مانند طریقت‌ها و نیز جریان سلفیه است که در آینده می‌تواند مشکلات ناشی از ناآگاهی کافی از دیدگاه‌های یکدیگر و فقدان احترام متقابل را به حداقل برساند.

به هر حال، نمی‌توان انکار کرد که وقوع اقدامات تروریستی و درگیری‌های اجتماعی با پیشینه مذهبی در اندونزی، ارتباط مستقیمی با فعالیت‌های مختلف تبلیغی برخی از

سلفیه، به‌ویژه گروه‌های تندرو و افراطی سلفی تکفیری، دارد (-198: Krismo, 2017). سلسله‌ای از حوادث تروریستی در اندونزی از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۱، همچون بمب‌گذاری بالی ۱ در سال ۲۰۰۲ و بالی ۲ در سال ۲۰۰۵ و... که منجر به کشته‌شدن صدها انسان بی‌گناه شد (Ilyasin, 2016: 47; Maulidyawanto, 2023: 157)، وجههٔ مسلمانان اندونزیایی را که مردمانی با اخلاق خوب، خندان و میانه‌رو شناخته می‌شوند، خدشه‌دار کرد. علاوه بر آن، امنیت و آزادی دینی را هم تهدید می‌کند. همهٔ این‌ها به‌وضوح در تضاد با قانون اساسی اندونزی است که ضمانت آزادی آحاد مردم را در اصل دین و نیز در انجام‌دادن مناسک و عبادت مطرح کرده است (Permata Press, 2011: 116).

طریقت قادریهٔ نقشبنديه باید از طریق همکاری با سایر گروه‌های میانه‌رو اسلامی در مقابله با تبلیغات منفی جریان‌های سلفیه و وهابیت علیه آموزه‌ها و افکار سایر گروه‌های مسلمانان در اندونزی، از جمله تلاش‌های انجام‌شده در مسیر رد افکار و آموزه‌های طریقت قادریهٔ نقشبنديه، پیشگام باشد. طریقت قادریهٔ نقشبنديه با اولویت‌دادن به نگرش مداراجویانه و معتدل در دین، نه فقط همدلی مسلمانان را به خود جلب کرده، بلکه وظایف و مسئولیت‌های اجتماعی‌اش را به عنوان بخشی از امت اسلامی و ملت اندونزی هم انجام داده است.

نتیجه

طریقت قادریهٔ نقشبنديه ترکیبی از آموزه‌های اصلی طریقت قادریه و نقشبنديه است. این طریقت را شیخ احمد خطیب سامباس (۱۸۰۲-۱۸۷۲)، صوفی اندونزیایی، تأسیس کرد. در طریقت قادریهٔ نقشبنديه، شیخ یا مرشد آموزه‌های اصلی طریقت قادریه و نقشبنديه را به صورت طریقتی واحد به شاگردان تلقین می‌کند و آن‌ها را به بیعت درمی‌آورد. شیخ احمد خطیب این طریقت را در مکه به شاگردان اندونزیایی‌اش آموزش می‌داد. در آموزه‌های عملی این طریقت بر پای‌بندی به ظاهر شریعت بسیار تأکید شده است. بر اساس تعالیم این طریقت، شریعت با حقیقت استوار است و حقیقت با شریعت گره خورده است. از آموزه‌های عملی این طریقت، «مراقبه»، «خاتامن»، «مناقیان» و

«ذکر» است. از نظر گرایش‌های مذهبی، گروه‌های اسلامی در اندونزی به دو دسته سنی و غیرسنی تقسیم می‌شوند و سنی‌ها هم در دو دسته سنی اشعری و سنی سلفی می‌گنجند. در میان گروه‌های سلفیه، محمدیه از گروه‌های میانه‌رو این جریان است. برخلاف دیگر گروه‌های سلفیه، محمدیه آموزه‌های تصوف را صراحتاً رد نکرده‌اند. از این‌رو با مطرح کردن گفت‌وگوهای علمی در موضوعات تصوف و اخلاق عرفانی، به‌ویژه در محافل علمی و دانشگاهی محمدیه، مسیر تفاهم بین پیروان طریقت و دیگر گروه‌ها هموارتر می‌شود. طریقت قادریه نقشبندیه در مواجهه با سایر گروه‌های اسلامی، از جمله جریان سلفیه، می‌تواند از طریق گفت‌وگوهای علمی مستمر و نیز مشارکت عملی در طرح‌های دولتی تعامل سازنده‌ای داشته باشد.



پی نوشت‌ها

۱. عنوان این کتاب عربی است و همچنین رسم الخط آن، اما مفهوم و محتوایش مالایی (اندونزی) است که به زبان عربی نوشته شده است؛ مثل ترکی استانبولی که با حروف لاتین نوشته می‌شود.

2. Tariqa yang Dibangsakan kepada Qadiriyyah dan Naqsyabandiyah
3. Majelis Mujahidin Indonesia (MMI)
4. Forum Komunikasi Ahlulsunnah Wal Jamaah (FKAWJ)
5. Wahdah Islamiyah (WI)
6. Persatuan Islam (PERSIS)
7. Dewan Dakwah Islam Indonesia (DDII)
8. Majelis Syuro Muslimin Indonesia (MASYUMI)
9. Lembaga Ilmu Pengetahuan Islam dan Arab (LIPIA)
10. Universitas Muhammadiyah Yogyakarta (UMY)
11. Majelis Ulama Indonesia (MUI)
12. Badan Koordinasi Muballigh Se-Indonesia (Bakomubin)

منابع

۱. آملی، سید حیدر (۱۳۶۸). جامع الاسرار و منبع الانوار، تهران: علمی و فرهنگی.
۲. ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۸). جمهرة اللغة، بیروت: دار العلم للملایین.
۳. البغدادی، ابو القاسم الجنید بن محمد (۱۴۲۶). السر فی انفاس الصوفیة، تحقیق: عبد الباری محمد داوود، قاهره: دار جوامع الكلم.
۴. پورامینی، محمدباقر (۱۳۹۵). بنیاد تفکر سلفی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۵. العیلابی، عبد القادر (۱۹۹۵). آداب السلوک والتوصل الی منازل الملوک، تحقیق: محمد غسان نصوص عزقول، دمشق: دار السنابل.
۶. الخرکوشی، ابو سعد عبد الملك بن محمد (۱۴۲۷). تهذیب الاسرار فی أصول التصوف، تحقیق: امام سید محمد علی، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۷. رمضان البوطی، محمد سعید (۱۳۸۳). سلفیة: بدعت یا مذهب، ترجمه: حسین صابری، مشهد: مؤسسه چاپ آستان قدس رضوی.
۸. السراجی، کریم (۱۴۳۱). الاسس الدینیة للاتجاهات السلفیة، بیروت: دارالسلام.
۹. طریحی، فخر الدین بن محمد (۱۳۷۵). مجمع البحرين، تحقیق: احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی.
۱۰. المحاسبی، الحارث بن اسد (۱۳۲۰). الرعاية لحقوق الله، تحقیق: عبد الرحمن عبد الحمید البر، مصر: دار الیقین.
۱۱. المحاسبی، الحارث بن اسد (۱۴۲۸). آداب النفوس، تحقیق: عبد القادر احمد عطا، بیروت: مؤسسه الکتب الثقافیة.
۱۲. المحاسبی، الحارث بن اسد (۱۹۸۷). الوصایا، تحقیق: عبد القادر احمد عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۱۳. مهنا، عبدالله علی (۱۴۱۳). لسان اللسان: تهذیب لسان العرب، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۱۴. نسفی، عزیز الدین (۱۳۸۶). الإنسان الكامل، تحقیق: ماریژان موله، تهران: طهوری.
۱۵. الیسوعی، لويس معلوف (۱۹۰۸). المنجد فی اللغة والادب والعلوم، بیروت: المطبعة الكاثولیسکیة.
16. Al Attas, Syed Naguib (1963). *Some Aspects of Sufism as Understood and Practiced Among the Malays*, Singapore, Malaysian Sociological Research Institute Ltd.
17. Aqib, Kharisudin (2000). *Al Hikmah, Memahami Teosoi Tarekat Qodariyah wa Naqshabandiyah*, edisi revisi, Surabaya, Dunia Ilmu.
18. Atika, Ulfia Adlina (2012). *Pengalaman Mistik Pengikut TQN Dawe Kudus*, Jurnal

Analisa 19 (1).

19. Boy ZTF, Pradana (2019). Muhammadiyah dan Salafisme Sebuah Survei Singkat Tentang Titik Temu dan Titik Seteru, Maarif (Maarif Institute) 14 (2).
20. Bruinessen, Martin van (1992). *Tarekat Naqsyabandiyah Indonesia*, Jakarta, Penerbit Mizan.
21. Bruinessen, Martin van (1995). *Kitab Kuning: Pesantren dan Tarekat*, Jakarta, Penerbit Mizan.
22. Bunyan Wahid, Ahmad (2011). *Dakwah Salafi Dari Teologi Puritan sampai Anti Politik*, Media Syariah 13 (2).
23. Burhani, Ahmad Najib (2002). *Ketika Muhammadiyah Melirik Tasawuf*, Jurnal Media Inovasi 1 (12).
24. El Bilad, Cecep Zakarias (2021). *Mengenal Tarekat Qadiriyyah Naqsyabandiyah*, Tasikmalaya, CV Latifah Press.
25. Emawati, dan Syukran Makmun, Gunwan Anjar Sukmana (2015). *Tarekat Qadiriyyah Naqsyabandiyah Studi Etnografi Tarekat Sufi di Indonesia*, Yogyakarta, Deepublish.
26. Hamka, (1981). *Tasawuf Moderen*, Yayasan Nurul Islam.
27. Hamka, Rusydi (2016). *Pribadi dan Martabat Buya Hamka*, Jakarta Selatan, Noura (PT. Mizan Publika).
28. Hanif Muslih, Muhammad (2011). *Al Mawahib al Rahmadiyah al Nuraniyah*, Semarang, Penerbit Ar Ridha.
29. Hazmi, Muhammad dkk (2020). *Ideologi Muhammadiyah*, Jember, PT. Jamus Baladewa Nusantara.
30. <https://rri.co.id/daerah/371371/bakomubin-wadah-berhimpunnya-mubaligh-dari-semua-ormas-islam> (24 January 2025)
31. Ilyasin, Muhammad, dan M. Abzar dkk (2016). *Teroris dan Agama*, Kota Indah.
32. Iskandar, Mizaj (2018). *Sunni dan Wahabi Mencari Titik Temu dan Seteru*, Banda Aceh, Lembaga Naskah Aceh.
33. Jahroni, Jajang (2022). *Munculnya Kelompok Salafi-Wahabi di Era Indonesia Kontemporer*, Jakarta, Orasi Ilmiah (UIN Syarif Hidayatullah).
34. Jamaluddin, dan Solihah Sari Rahayu (2019). *Hubungan Fiqih Kalam dan Tasawuf (Dalam Pandangan Tarekat Qadiriyyah wa Naqsyabandiyah Suryalaya Tasikmalaya)*, Wonosobo, CV. Mangku Bumi Media.
35. Krismono, (2017). *Salafisme di Indonesia Ideologi Politik Negara dan Pragmentasi*, Millah 17 (2).
36. Maulidyawanto, Pratama dkk (2023). *Penanganan Radikalisme Melalui Program Deradikalisasi Sebagai Upaya untuk Mencegah Tindak Pidana Terorisme di Indonesia*, Jurnal Hukum Lex Generalis 4 (2).
37. Mulyati, Sri (2006). *Tasawuf Nusantara: Rangkaian Mutiara Sui Terkemuka*, Jakarta,

Kencana.

38. Nasikin, Raharjo (2022). Moderasi Beragama Nahdlatul Ulama dan Muhammadiyah dalam Konsep Islam Nusantara dan Islam Berkemajuan, *Islam Review (Jurnal Riset dan Kajian Keislaman)* 2 (1).
39. Pajarianto, Hadi, dan Hamdan Juhannis (2018). *Muhammadiyah Pluralis*, Surakarta, Muhammadiyah University Press.
40. Permata Press, Tim (2011). *UUD 1945 Amandemen I, II, III, IV dan UUDRIS dan UUDS*, Permata Press.
41. Sambas, Ahmad Khatib (1295 H). *Fath al Arifin, Taqir Muhammad Ismail bin Abdurrahman al Bali*, Tanpa Tempat, Percetakan Al Nahdi.
42. Taufiq, Firmanda, dan Ayu Maulida Alkholid (2021). *Peran Kementerian Agama dalam mempromosikan moderasi beragama di era digital*, *Jurnal Ilmu Dakwah* 41 (2).

